

موانع و آفات مطالعه



اسماعیل نتاجی زواره
اصفهان - زواره

آغازین سخن

یکدیگر جدا می‌کند. بنابراین، مطالعه زیاد شرط نیست، بلکه خوب مطالعه کردن شرط است که تحقق آن نیازمند تدارک مقدماتی است (به پژوه، ۱۳۸۵، ص ۲۴) و آن مقدمات عبارت‌اند از این که: شخص یادگیرنده در کار خود هدف داشته باشد؛ یعنی بداند که خواندن برای دانستن، فهمیدن و به کار بردن است. لذا شخص کتاب‌خوانی که هدف دارد، هم سرگردان نیست و هم می‌داند که چه باید بکند؛ از کجا شروع کند؟ و به کجا برسد؟ (آدلر، ۱۳۷۵، ص ۲۰).

دیگر این که یادگیرنده باید پیش از مطالعه حال و هوای آن را پیدا کند و سعی کند افکار منفی خویش، همچون: من نمی‌توانم یاد بگیرم؛ من حوصله خواندن ندارم؛ مطالعه چه فایده‌ای دارد و... را از بین ببرد و افکار مثبت را جایگزین آن‌ها بکند و در نهایت روحیه مناسب برای مطالعه را در درون خویش ایجاد و تا پایان کار آن را حفظ کند (سیف، ۱۳۷۶، ص ۸۳).

کتاب‌گزینی

یکی دیگر از عوامل آسیب‌زا در فرایند مطالعه و حوزه کتاب‌خوانی، کتاب‌گزینی است. در میان برخی از لایه‌های جامعه، کتاب همچون طاعون و تابو شده است که باید از آن گریخت و هرگز نباید به آن نزدیک شد. مردم به کتاب به دید غذا نمی‌نگرند که باید همواره خورده شود؛ به دید دارو نیز نمی‌نگرند که باید گاهی خورده شود، بلکه به دید لقمه گلوگیر می‌نگرند که هرگز نباید در دهان گذاشته شود. میزان مطالعه در جامعه ما بسیار اندک است و موجب تأسف، به جز دانش‌آموزان، دانشجویان و

یکی از شاخص‌های توسعه و بالندگی در جوامع بشری، افزایش مطالعه و تولید فکر در میان قشرهای مختلف، مخصوصاً نوجوانان و جوانان است. در دنیای امروز که مؤلفه‌های دانش و نوآوری هر روز از نو تعریف می‌شود، میزان توجه به مطالعه، نشانگر رشد فرهنگی و ملی هر کشور است و بی‌توجهی به این فرایند، نوعی بیماری فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود که می‌تواند در دراز مدت ضرباتی جبران‌ناپذیر بر پیکره فرهنگ یک جامعه وارد کند.

نگارنده در این نوشتار سعی دارد که با رویکرد روان‌شناختی به بیان عوامل و متغیرهایی بپردازد که مانع مطالعه یا سبب کاهش آن می‌شود. امید است که مورد توجه اولیا و مربیان گرامی قرار گیرد.

ناآشنایی با فنون مطالعه

اولین مؤلفه آسیب‌زا در فرایند مطالعه، عدم آشنایی با اصول و فنون مطالعه است. آشنایی با فنون و مهارت‌های مطالعه، ضروری‌ترین نیاز برای فرد یادگیرنده محسوب می‌شود و عدم آگاهی از این مهارت‌ها سبب می‌شود که فرد در حوزه مطالعه و دستیابی به مطالب دچار سرگردانی و اتلاف وقت شود و نتواند سطح کیفی و کمی مطالعه خود را ارتقا دهد.

اغلب از دیگران می‌پرسیم که چه مطالعه می‌کنی؟ و به ندرت اتفاق می‌افتد که سؤال کنیم: چگونه مطالعه می‌کنی؟ در حالی که چگونگی و نحوه مطالعه است که افراد سطحی و ژرف‌اندیش را از

طلّاب که کتاب‌خوانی را می‌توان حرفه‌آنان قلمداد کرد، در میان دیگر قشرهای جامعه‌گریز از کتاب‌متعارف و معمول است. این پدیده علل مختلف دارد، ولی مهم‌ترین آن شایعه «گرانی کتاب» است. در کشور ما کتاب آن قدر گران نیست که گران نشان می‌دهند. از دیرباز به مردم تلقین شده است که کتاب گران است و گران. حال آن که کتاب، در مقایسه با بسیاری از کالاها، ارزان است. همین شایعه گرانی کتاب یکی از علل کتاب‌گریزی است. عجیب این که عده‌ای برای کفش زیر پایشان هزینه زیاد مصرف می‌کنند، ولی برای رشد مغزشان هیچ هزینه‌ای صرف نمی‌کنند و سال‌ها می‌گذرد و کتابی نمی‌خرند و نمی‌خوانند. مطابق آمار سال ۱۳۵۳، هر ایرانی در سال به‌طور متوسط یک نایه و نیم کتاب می‌خواند و براساس آمار سال ۱۳۷۳، هر ایرانی در سال به‌طور متوسط یک دقیقه مطالعه می‌کند. این آمارها باور کردنی نیست، اما واقعیت دارد. به عجایب هفت‌گانه جهان یک چیز عجیب دیگر افزوده شده، ملّتی با سابقه ۲۵۰۰ سال تمدن و فرهنگ کارش به آن جا رسیده که مقدار مطالعه‌اش در هر سال یک دقیقه است! این آمارها را یکی از استادان جامعه‌شناسی اعلام کرده و افزوده است که هر ایرانی سالانه ۷۳ تومان و روزانه دو ریال صرف خرید کتاب می‌کند (اسفندیاری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱-۱۹۵).

مشکلات اقتصادی

مشکلات اقتصادی یکی از عواملی است که میزان مطالعه را در بین مردم، به ویژه دانشجویان کاهش می‌دهد؛ زیرا بنیان‌های ضعیف اقتصادی و معیشتی مردم باعث کاهش قدرت خرید کتاب و آشفته‌گی ذهنی می‌شود که پیامدش کاهش انگیزه و بی‌رغبتی نسبت به مطالعه و کتاب‌خوانی است. به عنوان مثال، بسیاری از دانشجویان برای تأمین هزینه‌های خود نیازمند به کسب درآمدند، که این امر آنان را اغلب به کارهای غیرعلمی وادار می‌سازد. از سوی دیگر ترویج فرهنگ پول‌محوری که در حال حاضر جای فرهنگ مطالعه و پژوهش قرار گرفته است، انگیزه مطالعه و پژوهش را در بین دانشجویان و فرهیختگان کاهش داده است (اشرفی ریزی، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

کند خوانی

کند خواندن سبب می‌شود که بیش‌تر افراد از کتاب و مطالعه‌گریزان شوند. همه ما خواندن را از طریق اتصال حروف به یکدیگر و ساختن کلمات و اتصال کلمات به یکدیگر و ساختن جملات یاد می‌گیریم. بعدها که بر خواندن تسلط کافی یافتیم، این روش را به

صورت عادت حفظ می‌کنیم. اما درست خواندن و درک مطلب هیچ احتیاجی به خواندن کلمه به کلمه ندارد. خواندن کلمه به کلمه؛ یعنی مطالعه با سرعتی حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه در دقیقه و این سرعت بسیار پایین است. اکنون در اکثر کشورهای توسعه یافته در میان تحصیل‌کردگان، مطالعه ۱۰۰۰ کلمه در دقیقه، برای خواندن مطالب معمولی همچون روزنامه و مجله، یک سرعت معمولی است. سرعت تفکر و ذهن ما خیلی سریع‌تر از سرعت ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه در دقیقه است. در نتیجه وقتی که با این سرعت کند مطالب را می‌خوانیم، ذهن وقت اضافی می‌آورد و به ناچار به این شاخه و آن شاخه می‌پرد و در نتیجه حواس پرتی ایجاد می‌شود، اما مطالعه سریع به ذهن فرصت جولان نمی‌دهد و سبب افزایش تمرکز حواس می‌گردد؛ بنابراین میزان درک مطلب نیز افزایش می‌یابد (سیف، ۱۳۶۸، ص ۷-۶).

نچسبیدن طعم مطالعه

در جامعه ما افراد بسیاری هستند که دارای تحصیلات و مدارک دانشگاهی‌اند، اما در زندگی خود طعم شیرین مطالعه را نچسبیده‌اند و نمی‌دانند که در کتاب، این جسم بی‌جان چقدر معانی جاندار و زنده نهفته است. اگر مردم ارزش و اهمیت کتاب و مطالعه را می‌فهمیدند و می‌دانستند که چقدر کتاب در زندگی آنان تأثیرگذار است، هرگز از کتاب‌خوانی روی‌گردان نبودند. در دوران ابتدایی به ما آموخته‌اند که «توانا بود هر که دانا بود»، اما هنوز نفهمیده‌ایم که میان دانایی و توانایی چه ارتباطی وجود دارد. اگر عموم مردم واقعاً بدانند که با دانایی توانا تر می‌شوند و بهتر می‌توانند زندگی کنند، همه به کتاب‌خوانی روی می‌آورند. کتاب چشم انسان را بینا تر و گوش را شنوا تر می‌کند، هر چند خود یک معلم خاموش است (اسفندیاری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۴).

کمی‌نگری به جای کیفی‌نگری

اگر بخواهیم از مطالعات خود بهره‌مند شویم، باید به جای توجه کردن و پرداختن صرف به «کمیت»، به «کیفیت» مطالعه نیز ارزش دهیم. برخی افراد پس از سالیانی مطالعه و شب‌بیداری، از افزایش معلومات خود کم‌بهره یا بی‌بهره‌اند. این بدان علت است که کیفی‌نگری در مطالعه را رها کرده، به کمی‌نگری روی آورده‌اند؛ به طوری که خوب خواندن را فدای زود خواندن و بیش‌تر خواندن کرده‌اند. مطالعه کنندگان باید همیشه این سخن را آویزه گوش خویش قرار دهند که: چه

نظیر نداشتن وقت کافی، شغل خسته کننده و... پنهان می‌کنند؛ حال آن که هرگاه موانع روانی و اجتماعی بر طرف شود، بسیاری از افراد داوطلبانه به وادی مطالعه قدم می‌گذارند (فعل عراقی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

حواس پرتی

عدم تمرکز حواس از موانع و آفات اساسی مطالعه است. تمرکز حواس، یعنی توانایی ثابت نگه داشتن حواس و دقت روی موضوع یا کاری که به میل و اراده انتخاب شده است (خادمی، ۱۳۸۰، ص ۶۸).

تمرکز حواس نقشی کلیدی و بنیادین در خواندن دارد و بدون آن ممکن است که فرد ساعت‌ها وقت بگذارد، مطلبی را مطالعه کند، ولی چیزی نفهمد. کلید اساسی تمرکز، به کار گرفتن فنونی است که ذهن یادگیرنده را در ضمن مطالعه فعال می‌سازد و موجب ایجاد واکنش می‌شود. اما هنگام مطالعه عوامل مخلی وجود دارد که ذهن خواننده را با مشکل مواجه می‌سازد که این پدیده خود دو نوع است:

الف) حواس پرتی درونی که شامل افکار و اندیشه‌هایی است که هنگام مطالعه توجه فراگیر را به خود جلب می‌کند و مانع مطالعه او می‌شود، همچون: مشکلات شخصی، شغلی، اقتصادی و انواع خیال‌پردازی‌ها.

ب) عوامل بیرونی که از بیرون مزاحم فرد یادگیرنده است، مانند: سر و صدا در محیط، نور، مکان و نظایر آن که مهم‌ترین آن‌ها «آلودگی صوتی» است. سروصداها و گوناگون به بهره‌ر هوشی شخص آسیب وارد می‌کند و این امر باعث ضعف خواننده در مطالعه می‌شود؛ لذا باید بر مکان مطالعه سکوت و آرامش حکم فرما باشد. به گفته پروفیسور آگوست شیک متخصص شنوایی سنجی و محقق در زمینه یادگیری هیچ‌گاه فرد به سر و صدای محیط عادت نمی‌کند. وی با آزمایش بر روی بزرگسالانی که اعتقاد داشتند سر و صدا به ندرت مانع تمرکز آن‌ها می‌شود یا اصلاً اختلالی در روند کاری‌شان ایجاد نمی‌کند، نشان داد که هنگام پخش موسیقی، توانایی آن‌ها کم‌تر می‌شود. بنابراین اگر بگوییم مطالعه، یعنی تمرکز حواس، سخن گراف و بیهوده‌ای نگفته‌ایم (رنجگری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

بی‌نظمی در مطالعه

یکی دیگر از موانع مطالعه، بی‌نظمی خواننده هنگام مطالعه و عدم برخورداری از مسیر منظم و منطقی در مطالعات و تحقیقات است. این چنین نیست که انسان به هر نوشته و هر کتابی که

مقدار فهمیده‌اند، نه آن که تنها چه مقدار خوانده‌اند! لذا اگر این عبارت را مد نظر خویش قرار دهند، در فرایند مطالعه و حوزه کتاب‌خوانی با موانع و عوامل آسیب‌زا کم‌تر روبه‌رو می‌شوند (سلیمی باهر، ۱۳۸۱، ص ۴۲-۴۱).

سرخوردگی از مطالعه

خواندن کتاب‌های سست، سطحی و بی‌محتوا موجب می‌شود که عده‌ای پس از مدتی مطالعه از کتاب و کتاب‌خوانی سرخورده شوند. مشکل این جاست که آنان فکر می‌کنند هر چه به دستشان می‌رسد، باید آن را دقیقاً مطالعه کنند. گاهی اتفاق می‌افتد که یک کتاب تازه و خوش‌عنوان به دست خواننده می‌رسد؛ لذا با علاقه و رغبت زیاد شروع به مطالعه آن می‌کند، اما پس از مطالعه صفحات اول کتاب با دقت متوجه می‌شود که این کتاب آن چیزی نیست که مورد نظر وی بوده است؛ بنابراین آن را با دل‌زدگی کنار می‌گذارد. در صورتی که اگر پیش از مطالعه دقیق، کتاب را به طور اجمالی و با سرعت زیاد مرور کلی بکند، خیلی زودتر به این نتیجه می‌رسد (سیف، ۱۳۶۸، ص ۷).

بلند خوانی

عادت به بلندخوانی از عمر مطالعه می‌کاهد و پس از مدتی سبب می‌شود که فرد خواننده از کتاب‌خوانی فاصله بگیرد، زیرا: الف) بلند خواندن موجب کاهش سرعت فرد در مطالعه می‌گردد؛ در صورتی که صامت‌خوانی سرعت مطالعه را افزایش می‌دهد و این پدیده علاقه به مطالعه و یادگیری را زیاد می‌کند.

ب) صامت‌خوانی در فضاهای مختلف میسر است؛ مثلاً در اتوبوس در کنار دیگران می‌توان مطالعه کرد؛ اما فردی که به بلندخوانی عادت دارد، نمی‌تواند در بسیاری از فضاها و مکان‌ها مطالعه کند؛ بنابراین توجه او به مطالعه کم‌تر می‌شود و به مرور زمان مطالعه و کتاب‌خوانی را کنار می‌گذارد (اشرفی ریزی، ۱۳۸۳، ص ۴۵-۴۴).

کم ارزش شدن مطالعه

آمادگی برای خواندن تا حدود زیادی بستگی دارد به ارزش و اهمیتی که جامعه به فرایند مطالعه می‌دهد. در جامعه‌ای که خواندن ارزش به شمار نمی‌آید، انتظار آن که افراد با اشتیاق به خواندن روی آورند، انتظاری نامعقول و غیرواقع‌بینانه است. در این حالت افراد عدم علاقه به مطالعه را در پشت توجیه‌هایی

دست یافت، باید آن را بخواند؛ بلکه باید به مطالعات جهت‌دار روی آورد تا از آن بهره‌بردار (سلیمی باهر، ۱۳۸، ص ۴۱).

قدرت سحرآمیز تلویزیون

کتاب چندین رقیب قوی دارد که عبارت‌اند از: تلویزیون، ماهواره، رایانه و اینترنت. رقیب، رقیب است و دشمن، دشمن، دشمن، اما گاهی رقیب چنان می‌کند که دشمن نمی‌کند. دوربین عکاسی دشمن هنر نقاشی نیست، ولی از موقعی که دوربین عکاسی اختراع شد، هنر نقاشی به افول گرایید؛ بنابراین هنگامی که رسانه‌های رقیب کتاب اختراع شد، کتاب تحت الشعاع آن‌ها قرار گرفت. یکی از این رسانه‌ها که میزان مطالعه را در جامعه به حداقل کاهش داده است، تلویزیون می‌باشد که حداقل یک دستگاه آن در هر خانه‌ای وجود دارد. هر چند استفاده از این رسانه جزء نیازهای ضروری امروز بشر به حساب می‌آید و دارای کارکردهای زیادی است، اما مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که هر جا تلویزیون آمده، از میزان مطالعه کاسته شده است. اکنون در بسیاری از خانه‌ها نیز تلویزیون جای کمد کتاب را اشغال کرده و تلویزیون جای کتاب را گرفته است. مردم هم چنین می‌پسندند که به جای این که زانو در شکم فرو برند و مؤذبانه بنشینند و فسفر مغز صرف کنند و مطالعه کنند، پایشان را دراز کنند و رو به تلویزیون تکیه کنند و بدون این که روغن فکر بسوزانند، تلویزیون تماشا کنند. به هر حال تلویزیون گوی سبقت را از کتاب ربوده و موجب مطالعه‌گریزی شده است؛ لذا برای زدودن این آفت بهتر است که تلویزیون خود عهده‌دار تبلیغ مطالعه و کتاب شود و به جای رقابت با کتاب، با آن رفاقت کند، (اسفندیاری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۴-۲۰۳).

راه کارها و پیش‌نهادها

به‌منظور رفع موانع و آفات مطالعه، راه‌بردهای زیر پیش‌نهاد می‌گردد:

- ۱- با اصول و روش‌های مطالعه که هدف از آن بالا بردن سطح یادگیری و بهره‌گیری صحیح از مطالعه است، آشنا شویم.
- ۲- در انتخاب محتوای کتاب دقت کنیم و تنها به ظاهر زیبای آن توجه نکنیم.
- ۳- از تلویزیون، ماهواره، رایانه و اینترنت استفاده‌ای بکنیم و نگذاریم که هدف واقع شوند.
- ۴- برای مطالعه، مکان و زمان مناسب را انتخاب کنیم.
- ۵- سیر و نظم منطقی در مطالعه داشته باشیم.
- ۶- خود را به مطالعه بی‌صدا عادت دهیم.

۷- تمرکز داشته باشیم و هنگام اضطراب و خستگی از مطالعه کردن بپرهیزیم.

۸- بیش از حد مطالعه نکنیم.

۹- در کنار وسایل صوتی و تصویری مطالعه نکنیم.

۱۰- هنگام راه رفتن مطالعه نکنیم، زیرا راه رفتن خستگی زودرس و کاهش تمرکز به دنبال دارد.

۱۱- کیفیت و خوب خوانی را فدای کمیت و زیادخوانی نکنیم.

۱۲- پیوسته مطالعه نکنیم، زیرا موجب دل‌زدگی و سرخوردگی از مطالعه می‌شود.

۱۳- مقداری از هزینه زندگی را به خرید کتاب اختصاص دهیم.

۱۴- و بالاخره روال مطالعه باید به گونه‌ای باشد که از فراگیری مطالب آسان به سوی یادگیری مطالب پیچیده برویم، نه بر عکس.

منابع:

- آدلر، مارتین، جی و دورن، چارلز (۱۳۷۵): چگونه کتاب بخوانیم، ترجمه محمد صرافت تهرانی: انتشارات قدس رضوی.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۵): کتاب پژوهی، قم: انتشارات صحیفه خرد.
- اشرفی ریزی، حسن (۱۳۸۳): درآمدی بر مطالعه، تهران: نشر چاپار.
- به پتوه، احمد (۱۳۸۵): چگونه کتاب بخوانیم؟ ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۳۲۶، تهران: سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان.
- خادمی، عین‌الله (۱۳۸۲): مطالعه روشمند، قم: انتشارات پارسبان.
- رنجگری، فروغ (۱۳۸۵): خطر آلودگی صوتی را برای دانش‌آموزان جدی بگیریم! ماهنامه پیوند، شماره‌های ۳۲۳-۳۲۱ تهران: سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان.
- سلیمی باهر، حسین (۱۳۸۱): گامی به سوی مطالعه، تبریز: انتشارات پاس‌نهی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۶۸): روش‌های مطالعه، تهران: انتشارات رشد.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۶): روش‌های یادگیری و مطالعه، تهران: انتشارات دوران.
- فضل عراقی، اکرم (۱۳۸۶): چرا کودکان ما به مطالعه علاقه‌مند نیستند؟ ماهنامه پیوند، شماره‌های ۳۲۱ - ۳۲۰، تهران: سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان.